

مسیر اصلی خود، نه تنها زمینه‌ساز رشد و پویایی سینمای ایران خواهد بود، بلکه نقشی کلیدی در ارتقای فرهنگ عمومی و تقویت دیپلماسی فرهنگی ایفا خواهد کرد.

تقویت جایگاه شورا به عنوان نهادی آینده‌نگر

برای بازگشت شورای عالی انقلاب فرهنگی، به عنوان نهادی بالادستی در سیاست‌گذاری فرهنگی، به مدار اصلی، این شورا باید در گام نخست، از ورود به جزئیات اجرایی و تکرار وظایف نهادهای دیگر اجتناب کرده و به جای آن، بر تدوین سیاست‌های کلان و ارائه چشم‌اندازهای راهبردی تمرکز کند. این چشم‌اندازها باید نه تنها بر مبنای ارزش‌های فرهنگی و ملی باشند، بلکه با نیازهای معاصر و تحولات جهانی سینما نیز همخوانی داشته باشند. در چنین رویکردی، شورا به جای یک نهاد صرفاً نظارتی، به راهنمایی استراتژیک برای سینماگران و سیاست‌گذاران تبدیل می‌شود. دومین گام، تقویت تعامل با بدنه سینمایی و برقراری ارتباط نزدیک با هنرمندان و فعالان این حوزه است. اعتمادسازی و شفافیت در سیاست‌گذاری‌ها، از طریق برگزاری نشست‌های مشترک و بهره‌گیری از دیدگاه‌های متخصصان و سینماگران، می‌تواند زمینه‌ساز بازسازی اعتبار شورا در جامعه سینمایی شود. همچنین، شورا باید فضایی ایجاد کند که در آن نسل جوان و خلاق بتوانند در فرآیندهای سیاست‌گذاری مشارکت داشته باشند. این تعاملات باید به گونه‌ای طراحی شوند که هنرمندان احساس کنند دغدغه‌ها و خواسته‌های آن‌ها در برنامه‌های شورا لحاظ می‌شود. مسیر دیگر، تمرکز شورا بر ایجاد هماهنگی میان نهادهای مختلف فعال در سینما است. در حال حاضر، عدم هماهنگی میان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بنیاد سینمایی فارابی، سازمان سینمایی و دیگر نهادها، به تداخل وظایف و سیاست‌های متناقض منجر شده است. شورا باید نقش یک نهاد تسهیل‌گر و هماهنگ‌کننده را ایفا کند و از طریق تدوین سازوکارهای مشخص، به انسجام و هم‌افزایی میان این نهادها کمک کند. این هماهنگی می‌تواند از هدررفت منابع جلوگیری کرده و مسیر توسعه پایدار سینمای ایران را هموارتر سازد. در نهایت، شورا باید با بهره‌گیری از تحولات فناوری و تقویت جایگاه سینمای دیجیتال، به عنوان یک راهبرد کلیدی، مسیر خود را بازتعریف کند. ظهور پلتفرم‌های آنلاین و تغییر الگوهای مصرف محتوا، فرصتی بی‌سابقه برای سینمای ایران فراهم کرده است تا مخاطبان جدیدی در سطح ملی و بین‌المللی جذب کند. شورا می‌تواند با حمایت از تولیدات دیجیتال، تسهیل دسترسی به پلتفرم‌های جهانی و توسعه زیرساخت‌های مرتبط، نقشی محوری در مدرن‌سازی سینمای ایران ایفا کند. این مسیر نه تنها باعث ارتقای جایگاه سینمای ایران خواهد شد، بلکه به تقویت جایگاه شورا به عنوان یک نهاد پیشرو و آینده‌نگر منجر خواهد شد.



شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان نهادی که وظیفه سیاست‌گذاری و هدایت کلان فرهنگی را بر عهده دارد، می‌تواند تأثیری عمیق بر آینده این هنر-صنعت داشته باشد. اما کاهش نقش این شورا در سال‌های اخیر، تأثیرات چشمگیری بر مسیر رشد و توسعه سینمای ایران گذاشته است

کشور را تحت تأثیر قرار داده‌اند. در ک این پیامدها و ریشه‌هایی آن‌ها، می‌تواند گامی مؤثر در شناسایی راهکارهایی برای بازگرداندن شورا به جایگاه واقعی خود باشد.

بی‌توجهی به فرصت‌های بالقوه داخلی و بین‌المللی

شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان یکی از نهادهای کلیدی در سیاست‌گذاری فرهنگی کشور، از زمان تأسیس خود نقشی محوری در هدایت عرصه‌های مختلف فرهنگی، از جمله سینما، ایفا کرده است. با این حال، کاهش نقش این شورا در مدیریت و هدایت سینما طی سال‌های اخیر، نه تنها بر جایگاه خود شورا، بلکه بر مسیر توسعه سینمای ایران نیز تأثیر منفی گذاشته است.

این افول نقشی، که ریشه در مشکلاتی همچون ضعف در سیاست‌گذاری تخصصی، عدم هماهنگی میان نهادهای مرتبط، و ناکارآمدی در انطباق با تغییرات اجتماعی و فناوری دارد، موجب شده است که سینمای ایران از بسیاری از فرصت‌های بالقوه خود در حوزه داخلی و بین‌المللی بهره‌مند نشود. پیامدهای این وضعیت، از کاهش تولیدات کیفی تا تضعیف جایگاه سینمای ایران در عرصه جهانی، بر لزوم بازنگری و احیای نقش شورا تأکید می‌کند.

برای بازگرداندن شورا به جایگاه راهبردی خود، اقداماتی نظیر بازتعریف مأموریت‌ها، تقویت تعاملات با بدنه سینمایی، ایجاد ساختارهای تخصصی، و تدوین سیاست‌هایی منطبق با تحولات نوین ضروری است. همچنین، شفافیت در عملکرد شورا و هماهنگی میان نهادهای متعدد فعال در این حوزه می‌تواند به احیای اعتماد عمومی و تقویت نقش شورا کمک کند. سینمای ایران، به عنوان ابزاری قدرتمند برای روایت داستان‌های ملی و نمایش هویت فرهنگی، نیازمند حمایت و هدایت از سوی نهادی است که چشم‌اندازی روشن و برنامه‌ریزی دقیق داشته باشد. شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌تواند با اصلاح ساختارها و رویه‌های خود، بار دیگر به جایگاهی دست‌یابد که در آن به عنوان عامل اصلی در تقویت و توسعه این هنر-صنعت ارزشمند شناخته شود. بازگشت این شورا به

ظهور چالش‌های نوین در سینما و کمبود پاسخ مناسب

تحولات فناوری و ظهور پلتفرم‌های دیجیتال، الگوهای مصرف مخاطبان سینما را تغییر داده‌اند. در چنین شرایطی، نیاز به سیاست‌گذاری‌های نوآورانه و انعطاف‌پذیر بیش از پیش احساس می‌شود. اما شورای عالی انقلاب فرهنگی نتوانسته است سیاست‌هایی متناسب با این تحولات تدوین کند. برای مثال، در حالی که بسیاری از کشورها از فناوری‌های جدید برای توسعه صنعت سینما و گسترش دامنه مخاطبان بهره‌می‌برند، سینمای ایران به دلیل عدم حمایت کافی از این حوزه، از فرصت‌های بسیاری بازمانده است. ضمن اینکه نبود تعامل سازنده با جامعه سینمایی کشور هم از موضوعات قابل ذکر است. سینماگران، تهیه‌کنندگان و منتقدان اغلب احساس می‌کنند که در فرآیندهای تصمیم‌گیری شورا نادیده گرفته می‌شوند. این فاصله میان سیاست‌گذاران و بدنه سینما، موجب بی‌اعتمادی و کاهش همکاری میان آن‌ها شده است.

پیامدهای افول نقش شورا در سینما

سینما به عنوان یکی از مؤثرترین ابزارهای فرهنگی، همواره نقش مهمی در شکل‌دهی به هویت ملی، تقویت دیپلماسی فرهنگی و ترویج ارزش‌های اجتماعی ایفا کرده است. در این میان، شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان نهادی که وظیفه سیاست‌گذاری و هدایت کلان فرهنگی را بر عهده دارد، می‌تواند تأثیری عمیق بر آینده این شورا در سال‌های اخیر، تأثیرات چشمگیری بر مسیر رشد و توسعه سینمای ایران گذاشته است. افول نقش شورای عالی انقلاب فرهنگی در مدیریت سینما، تنها به کاهش نفوذ این نهاد محدود نمی‌شود، بلکه پیامدهای گسترده‌ای در حوزه‌های مختلف به همراه داشته است. نبود سیاست‌گذاری کلان و هماهنگ، فرصت‌های بسیاری را برای تقویت جایگاه سینمای ایران از بین برده و چالش‌هایی را برای سینماگران و مخاطبان به وجود آورده است. این پیامدها، که از کاهش تولیدات کیفی تا تضعیف جایگاه بین‌المللی سینما را شامل می‌شوند، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، آینده فرهنگی و هنری

